

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد
۰۹ اگست ۲۰۱۶

در پاسخ به ضرورت ها، یا همراهی با دولت ها و نقشه های امپریالیستی!؟

(پیرامون موضع اخیر حزب دمکرات کردستان ایران)

حزب دمکرات کردستان ایران (جناب مصطفی هجری)، اخیراً و طی اطلاعیه های اعلام نموده است که به دلیل سیاست های غیر مردمی رژیم جمهوری اسلامی و به ویژه بعد از «برجام»، مبارزه مسلحانه "تعرضی" را جایگزین مبارزه مسلحانه "دفاعی" نموده است!!

صرف نظر از توضیح جایگاه مبارزه مسلحانه و آنهم در تقابل با رژیم های هار و سرکوبگری همچون رژیم جمهوری اسلامی، لازم است، تا - فعلاً - روی این موضوع اساسی و کلیدی متمرکز شویم که چه عوامل و یا پارامترهایی باعث گردیده است تا این حزب بومی و کردستانی، مبارزه مسلحانه را در دستور کار خود قرار دهد؟! تفاوت ها، نقاط غیر اشتراک و یا در حقیقت اشتراکی منافع حزب دمکرات - این روزها -، با کدامین سیاست ها همگون شده است؟ به عبارتی ساده تر و روشن تر، از منظر حدکا، رژیم جمهوری اسلامی از چه زمان و یا دوره ای، از تضمین و باوری به دمکراسی و یا در به رسمیت شناختن حقوق کارگران و زحمت کشان و به ویژه خلق رزمنده کرد، سر باز زده است؟! بر این اساس در دو گستره، می توان به بررسی این موضوع پرداخت. اول نگاه مردم و به ویژه نگاه خلق رزمنده کرد، نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، و دوم، توضیح و یا نگاه حزب دمکرات کردستان ایران، پیرامون بیان کار نزدیک به چهار دهه سران حکومت و متعاقباً انتخاب "مبارزه مسلحانه تعرضی" - و آنهم با تأخیر سی ساله - می باشد. در درجه نخست از اسناد تلنبار شده و همچنین از وجود هزاران اعتصاب و اعتراض خیابانی، کارگری، اجتماعی، دانشجویی و جمعی می توان به این نظر دست دریافت، که اکثریت مطلق مردم ایران و به ویژه توده های ستمدیده، مخالف زمامداری سران رژیم بوده و می باشند. طرح شعار سرنگونی جمهوری اسلامی از جانب مردم و متعاقباً درگیری های روزمره و دائمی، رو در روئی مسلحانه خلق های ستمدیده کرد و ترکمن صحرا در برابر ارگان های حافظ بقای امپریالیستی، نشان از آن دارد که، مردم اصلاً و ابداً، دل خوشی از سران رژیم نداشته و ندارند. دلیل آن به پایمال نمودن بدیهی ترین حقوق بدیهی انسان ها بر می گردد؛ دلیل آن به زور افسار گسیخته حافظان سرکوبگر سرمایه بر می گردد؛ دلیل آن به فقدان آزادی های اولیه و به کُشت و کُشتار کمونیست ها، مبارزان، مخالفان و قربانیان نظام های امپریالیستی، در درون جامعه بر می گردد. این نظام بر سر کار مانده است، به این دلیل که سیاست زور را انتخاب

نموده است؛ بر سر کار باقی مانده است، به این دلیل که قدرت مداران بین المللی حامی آن است. تبیین و تفسیری به غیر از اینها، به معنای تقسیم بندی های نادرست از - دوره های متفاوت - نظام جمهوری اسلامی و همچنین به انحراف کشاندن افکار عمومی ست. در حقیقت هر دوره و زمان این نظام، هم معنی و متوالی با بگیر و ببند، کُشت و کُشتار محروم ترین اقشار جامعه و تخریب هر چه بیشتر خانه و کاشانه‌شان است. کارنامه این نظام، مملو از غارت و چپاول اموال عمومی و سرکوب جنبش های اعتراضی ست. به بیانی می توان گفت که ماهیت و عملکرد پیشا و پسا «برجام» سران نظام و آنهم در مقابل بدیهی ترین خواسته های توده های دردمند، یکنواخت - بوده و - است و طبعاً، «خوانش» نابجائی ست، تا به مانند مصطفی هجری، کارکرد یکنواخت سران حکومت را، گونه گونه به تصویر کشیم.

این نظام در این چندین دهه و علی رغم طرح شعارهای فریبنده، و علی رغم جابه جائی دولت های به اصطلاح سازندگی، اصلاح طلبی، تدبیر و امید و غیره، در غارت کرد و سرکوب خیزش های اعتراضی «بحق» پرداخته است؛ جنبش های روشنفکری - اجتماعی را به قلاب آویخت، تا مانع رشد و آگاهی میلیون ها توده رنجبر گردد. تمامی دوره این نظام، برابر با تعرض به مطالبات محروم ترین اقشار جامعه بوده است، در حقیقت این نظام نبوده و نیست، که به سیاست دو و یا چندگانه، روی آورده است، بلکه سازمان ها و یا احزابی همچون حزب دمکرات کُردستان ایران اند، که مستحیل و دگرگون شده اند. با این توصیف و بدون کمترین تردیدی، باید حساب جامعه و مردم، نسبت به کارکرد سران نظام را، با حساب سازمان ها و احزاب به اصطلاح مدافع جنبش های اعتراضی مجزا ساخت.

در ثانی، دنیا "تغییر" کرده است و به موازات آن، سازمان ها و احزاب مدافع مردمی هم به سیاست "تازه تری دست یافته اند! حضور و تعرضات گسترده سرمایه داران بین المللی به همراه نیروها و دار و دسته های مسلح و ارتجاعی شان به منطقه سرشار از منابع طبیعی، و آوارگی میلیونی توده های ستمدیده از خانه و کاشانه‌شان، باعث گردیده است تا نگاه تغییر از بالا، به خواست و به رویه به اصطلاح سازمان ها و احزاب مردمی تبدیل گردد. در بستر چنین اوضاع تلخ و تأسف باری - و خلاف دهه های ثور و گذشته -، یأس، ناامیدی و بی آفتی، سایه بس عظیمی بر فضای جوامع متفاوت انداخته است. فقدان سازمان های انقلابی و کمونیستی از یک سو، و قدر قدرتی نظام های امپریالیستی از سوی دیگر، سیمای جهان و به ویژه چهره منطقه خاورمیانه را دگرگون ساخته است و بی دلیل هم نیست که کعبه آمل و آرزوی این سازمان و یا آن سازمان، این حزب و یا آن حزب، امپریالیست ها و دولت های وابسته ای همچون اسرائیل تبدیل گردیده اند؛ دولت هائی که در کُشت و کُشتار محرومان، زبانزد عام و خاص اند. چگونه می توان به مانند مصطفی هجری در چنین اوضاع و احوال سیاسی، منافع طبقاتی دولت اسرائیل را متضاد از منافع جمهوری اسلامی در منطقه توضیح داد و چنین دولت جانی و سرکوبگری را به عنوان دوست مردم و خلق های ستمدیده ایران معرفی نمود؟ چگونه می توان این دو دولت را، از دو قماش متفاوت از هم دانست و در مصاحبه با «اورشلیم پست» تحت عنوان: **"رژیم ایران دشمن مشترک حزب دمکرات و اسرائیل است.."** بر این نکته تأکید ورزید که: "... اما اکثریت کشورها از اسرائیل حمایت می کنند ... ایران پول زیادی را صرف حمایت از حزب الله و حماس علیه اسرائیل می کند و به نظر من اسرائیل باید رژیم ایران را دشمن اصلی خود تلقی نموده و در جهت تضعیف آن تلاش نماید. حزب الله و حماس کمک های مالی فراوانی از ایران دریافت می کنند و آنان نیز با ایران در جهت دشمنی با اسرائیل همکاری دارند، به همین دلیل باید اسرائیل از احزاب اپوزیسیون ایران علیه رژیم ایران حمایت نماید".

عجبا و این روزها، آمران و عاملان مصائب و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه خاورمیانه و بدبختی میلیون ها توده فلسطینی، تطهیر و چهره کریه شان پاک و منزله جلوه داده می شود!؛ دولت هائی که حیات شان، با توهین و تحقیر، سرکوب کودکان، زنان و مردان فلسطینی گره خورده است؛ دولت هائی که با دم و دستگاه های مخوف

شان، جان هزاران کمونیست، مبارز و مخالف منطقه را گرفته اند و با شتابی صد چندان، در پی به خاک و خون کشاندن کارگران، زحمت کشان و قربانیان نظام های امپریالیستی اند. حزب دمکرات مصطفی هجری مجاز است، تا در چنین بلشوی بازاری، انتخاب سیاسی خود را نماید، اما مجاز نیست تا از جانب مردم ایران، و همچنین از جانب میلیون ها توده فلسطینی، دولت اسرائیل را به عنوان یار و یاور انسان و انسانیت و به عنوان دولت مظلوم و یا متضاد از نظام جمهوری اسلامی به بیرون معرفی نماید. مردم ایران و منطقه خاورمیانه، نه تنها چنین دولت هائی را از آن خود نمی دانند بلکه آنها را، همردیف با سرکوبگران بین المللی و بانیان اوضاع ناهنجار کنونی به حساب می آورند. روشن است که این دست انتخاب و ارزیابی ها، در انطباق با منافع توده های دربند ایران و خلق ستمدیده گرد، روشنفکران و آگاهان سیاسی نیست و کاملاً، همسو و در خدمت با نقشه ها و سیاست های امپریالیستی و دولت های وابسته بدانان می باشد.

مصطفی هجری - این روزها و - در اوج ناتوانی و به بهانه تحقق "منافع گرد"، دست به دامان دولت های جانیی همچون دولت اسرائیل شده است و می خواهد با همکاری و همیاری جانیان بشریت و سرکوبگران فلسطینی، به معضلات و مشکلات جامعه ایران پاسخ مثبت دهد، طلب و درخواستی که جز، ناباوری به قدرت توده ئی، و همچنین باوری عمیق، به تغییر از بالا نیست.

متأسفانه مدت هاست که سازمان ها و احزاب، برای دست یابی به قدرت سیاسی، برشانه های، بانیان اوضاع کنونی آویزان شده اند و پی در پی، در انتظار اعطای دمکراسی از جانب قدرت مداران بین المللی اند. این دست گرایشات عمومی شده است و طبعاً شفیت نمودن سیاسی حزب دمکرات کُردستان ایران (مصطفی هجری) را هم نباید و نمی بایست، خارج از چنین پهنه ای توضیح داد. جهان سرمایه داری و قدرت مداران بین المللی غرق در بُجران اند و علی رغم باور به ستراتیژی و تضمین منفعت درازمدت در منطقه، در فکر یار و یارکشی تازه تر، به منظور روان تر شدن سیاست های جنگ طلبانه امپریالیستی اند. علی رغم تبیین و تعیین سیاست درازمدت، جهان و منطقه خاورمیانه، شاهد تغییر و تحولات، ناآبایی و جابه جایی دولت ها، دستجات و نیروهای مسلح به منظور گسترش جنگ های خانمانسوز است و پیداست که، هر یک از این دولت ها، جریانات و یا دستجات و احزاب، نقش جاده صاف کنان سیاست های امپریالیستی را در منطقه ایفاء می نمایند. بنابراین انتخاب حزب دمکرات کُردستان به انجام "مبارزه مسلحانه تعرضی"، جدی و همچنین در خدمت به پاسخگویی معضلات عدیده جامعه و حقوق دیرینه خلق کُرد نیست. به عبارتی دقیق تر در همسوئی با دولت های هار و خشنی همچون عربستان، ترکیه، اسرائیل و در همراهی نقشه ها و بازی های انتخابی امپریالیست هاست. باید دانست و آگاه بود که جنبش های انقلابی، پاسخ شایسته خود را از درون جنبش خواهند یافت و کمترین همسوئی و نزدیکی با نقشه ها و راهکارهای جانیان بشریت ندارند.

به دیگر سخن و کاملاً پیداست، که فضای ایران - و به ویژه منطقه کُردستان -، به دلیل فقدان سازمان های کمونیستی و انقلابی سالم، آماده جنگ و ویرانی از نوع عراق، لیبیا، سوریه و غیره است و در این میان، ناباوران منافع مردمی به صف شده اند، تا با فرمان و با حمایت امپریالیست ها، بر آتش جنگ های تخریبی منطقه خاورمیانه بیفزایند. به بهانه تغییر رویه رژیم جمهوری اسلامی و آنهم بعد از «برجام»، «خوانش» متفاوت و یا "تازه" تری از کارکرد سران حکومت ارائه می دهند!! در حالی که این نظام نبوده و نیست که تغییر و یا به سیاست "تازه" تری دست یافته است، بلکه احزابی همچون حزب دمکرات کُردستان ایران اند، که زیر و رو شده اند و مسیری، خلاف مسیر خلق رزمنده کُردستان را انتخاب نموده اند؛ این حزب دمکرات کُردستان مصطفی هجری ست که در پی کسب قدرت سیاسی کُردی از نوع دولت کُردستان عراق - و آنهم - از جانب امپریالیست ها می باشد؛ می خواهد به بهانه مبارزه و سرنگونی رژیم

جمهوری اسلامی، و آنها تحت عنوان "مبارزه مسلحانه تعرضی"، جامعه ناامن را ناامن تر، و بیخوله های میلیون ها انسان را مخروبه تر کند؛ "مبارزه مسلحانه تعرضی" که پیشاپیش ثمره آن، قابل رؤیت و جمع بندی است. بنابراین دامن زدن به تنش دلخواه سرمایه داران بین المللی و دولت های وابسته بدانان، خواست مردم ایران و توده رزمنده کُردستان ایران نبوده و نیست. چرا که سود آن، به جیب بانیان آن و دار و دسته های رنگارنگ شان خواهد رفت. این جنگ جامعه، کارگران، زحمت کشان و همچنین جنگ خلق های ستمدیده ایران نیست. این دست تنش ها، ادامه و پیگیری سیاست "خاورمیانه بزرگ"، کنترل بهتر جنبش های اعتراضی رادیکال و پس زدن جناح های رقیب از امکانات عمومی جامعه ست.

تردیدی نیست که جان مردم از دست دولتمردان هار و سرکوبگری همچون دولتمردان جمهوری اسلامی به لب شان رسیده است و با تمام وجود، خواهان سرنگونی فوری آنانند. رژیم جمهوری اسلامی از بیخ و بُن فاسد است و سران نظام هم کمترین نزدیکی با منافع میلیون ها توده دربند ندارند و دوام روزانه آن، مترادف با تلف شدن بیش از این کارگران، زحمت کشان و کودکان است. این نظام به ناحق، توسط امپریالیست ها بر سر کار گمارده شده است تا مانع رشد طبیعی جامعه انسانی گردد. بی دلیل هم نبود که از همان آغاز، توده های ستمدیده ایران، همصدا، شعار سرنگونی و نابودی نظام را سر داده اند و با برپائی تظاهرات و کمپین های متفاوت و همچنین با بر گرفتن سلاح در کُردستان و ترکمن صحرا، به جان نیروهای سرکوبگر نظام افتادند.

بنابراین و به جرأت می توان گفت که حزب دمکرات کُردستان ایران (جناح هجری)، کشف خارق العاده و یا تازه ای نکرده است. چرا که بنابه شواهد و اسناد ثبت شده مبارزاتی، مردم ایران در این چهار دهه و بی وقفه، در مقابل سرمداران رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی نموده اند. در حقیقت این نظام چهار دهه ماند، به این دلیل که سلاح را به عنوان یگانه وسیله دوام حاکمیت خود انتخاب نموده است؛ به این دلیل بردوام ماند که با کمترین عکس العملی، از جانب مدافعان کارگران و زحمت کشان رو در رو نگردید. آری، ماندگاری نظام، در کار بست سلاح از یکسو و در بی باوری عملی مدافعان شان نهفته می باشد و بدون کمترین شک و شبهه ای، "مدیریت" دقیق مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، نه در معامله با جناح های وابسته به سرمایه، بل در انتخاب سیاست مستقل و فارغ از سیاست های دیکته شده امپریالیست ها و دولت های وابسته بدانان می باشد. دریغا، سازهای نواخته شده، همگون با سازهای مردمی نیست و امپریالیست ها جنگ را فراقشوری نموده اند و روز به روز، شعله های آن را گسترده و گسترده تر می نمایند، تا سیاست های ارتجاعی خود را گام به گام به ورطه عمل در آورند. بر این مبنا، نیاز به جابه جایی دولت ها، دستجات و یا نیاز به بازی دادن سازمان ها و یا احزاب تازه تری همچون حزب دمکرات کُردستان ایران دارند تا نقشه های شوم خود را پی گیرند.

خلاصه این که، ناباوری نیست که انتخاب مبارزه مسلحانه از جانب مدافعان حقیقی توده های دربند، امری بحق و تمام کننده است. این روش از مبارزه را سرمایه داران وابسته و همچنین قانونمندی های حاکم بر جامعه، به میلیون ها توده دربند تحمیل نموده و به اثبات رسیده است که، زمانی می توان، سُخن از آزادی و رهائی توده ها به میان آورد که در برابر درندگی سران نظام جمهوری اسلامی، پرچم سازمان رزمنده، مسلح و مستقل را علم نمود؛ به اثبات رسیده است که زمانی می توان این امر خطیر را بدرستی هدایت و مدیریت نمود، که به قدرت توده ئی باور داشت؛ به اثبات رسیده است که زمانی می توان امر انقلاب را به پیش بُرد که خارج از داد و سندهای امپریالیستی، و مهمتر از آن با اتکاء به قدرت توده ئی، جنگ انقلابی را انتخاب و به پیش بُرد؛ سیاست و جنگی که نویدبخش زندگی بهتر برای کارگران و زحمت کشان است؛ سیاست و جنگی که ضامن رهائی خلق رزمنده کُرد از یکسو، و تخریب زندگانی و تاج و تخت

جانان بشریت و تمامی دار و دسته های رنگارنگ شان از سوی دیگر می باشد خلاف راه و سیاستی است که حزب دمکرات کردستان ایران (جناح هجری) به گونه ای دیگر انتخاب نموده و قصد و مقصودش، بر آن است تا در همسوئی با سیاست های دولت اسرائیل و دیگر بانیان اوضاع کنونی، خلق کُرد را از زیر ستم امپریالیستی و ملی رها سازد!!

۸ اگست ۲۰۱۶

۱۸ مرداد [اسد] ۱۳۹۵